



# ماهیت «دیه»

## در قتل عمدی

## و قتل خطئی (خطای محض)

به قلم: دکتر زحاکتوری، استاد دانشگاه

اشاره: به طور معمول در برابر ارتکاب به قتل یا ایجاد جرح و نقص عضو، که حال یا به صورت خطای محض و یا شبه عمد، وقوع می پذیرد؛ دیه پرداخت می گردد. اگر چه به حکم شرع، در مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آن جایز نیست نیز، دیه پرداخت می گردد لیکن باتوجه به احکام شرعی وارد شده در باب مجازات اسلامی، ماهیت و آثار و احکام «دیه» در قتل عمدی؛ با ویژگیهای قتل خطای محض و شبه عمد - بخصوص خطای محض یا قتل خطئی، تفاوتی دارد که در این مقاله، سعی بر آن شده است تا اهم این موارد، مورد بررسی و تشریح واقع شود:

در حالت عمد، مستوجب قصاص است که اعمال قصاص نیز، در اختیار ولی یا اولیای دم<sup>۱</sup> است. قانون مجازات اسلامی نیز، در مواد (۲۰۴) تا (۲۶۸) از تعریف قتل عمد؛ شرایط قصاص و روشهای اثبات و نیز چگونگی استیفای قصاص را بیان نموده است که در برابر تعریف قانونی و صریح ماده (۲۰۵)؛ قتل عمد، موجب قصاص است و اولیای دم می توانند با اذن ولی امر (که ولی امر نیز می تواند این امر را به رئیس قوه قضاییه واگذار نماید) قصاص نمایند. همچنین به موجب ماده (۲۰۶) وقوع قتل، در موارد زیر عمدی است:

۱- مواردی که قاتل با انجام کاری، قصد کشتن فرد معین یا افرادی نامعین از یک جمع را، دارد و به این ترتیب؛ قاتل (که «قاصد» در قتل است) کاری را که انجام می دهد (چه نوعاً

طور مفصل بحث شده است و خوانندگان محترم هم می توانند با مراجعه به کتابها و مقاله های مربوط بدانها، در این خصوص هم با آن نظریه ها آشنا شوند و هم از ایرادات و انتقادات وارد بر هر یک از این نظریه ها، آگاهی حاصل فرمایند. لذا در حال حاضر باتوجه به عنوان مقاله، تنها در دو مورد «قتل عمدی» و «قتل خطئی»؛ ماهیت و آثار و احکام، دیه را به شرح ذیل بررسی می نمایم:

### قسمت اول - قتل عمد:

الف) قتل عمد، عبارتست از آن که با ضابطه؛ «... و ضابطه العمدان یكون عامداً فی فعله و فی قصده» قاتل با سوءنیت مجرمانه، (با نیت و قصد در فعل و نتیجه حاصل از آن) موجب سلب حیات و کشتن نفس محترمی گردد. به موجب شرع مقدس اسلام قتل نفس

در ماده (۱۲) از قانون مجازات اسلامی، که مجازاتهای مقرر در قانون را در پنج قسم، تفکیک کرده است که عبارتند از: ۱- حدود؛ ۲- قصاص؛ ۳- دیات؛ ۴- تعزیرات؛ ۵- مجازاتهای بازدارنده؛ که مجازات دیه را به موجب ماده (۱۵)، مالی دانسته که از طرف شارع، برای جنایت تعیین شده است و در مواد ۲۹۴ الی ۲۹۶ مواردی را که در قتل خطای محض، شبه عمد و عمد باید دیه پرداخت گردد مشخص نموده است. بدیهی است در این مقاله ماسعی نداریم در باب تعریف «دیه» و اینکه آیا دیه مجازات است یا جبران خسارت؛ بحث کنیم و یا نظریات فقهی و حقوقی صاحب نظران و فقهای عظام و اساتید معظم را مورد نقد و بررسی و قرار دهیم؛ چرا که در باره موارد نامبرده شده، تا به حال به

کشنده باشد و چه نوعاً کشنده نباشد ولی در

به موجب شرع  
مقدس اسلام قتل نفس  
در حالت عمد، مستوجب  
قصاص است که اعمال  
قصاص نیز، در اختیار ولی  
یا اولیای دم است.

عمل سبب قتل گردد، تاثیری در نوع قتلی که به اعتبار قصد نتیجه عمد شناخته شده است؛ ندارد.

۲- مواردی که قاتل، قصد کشتن شخص را نداشته است اما عمداً و با سوءنیت، عملی را انجام دهد که آن عمل، نوعاً کشنده باشد برای نمونه؛ به سوی شخصی - با قصد - تیراندازی نماید و حال آنکه گلوله تفنگ عرفاً و نوعاً کشنده است.

۳- مواردی که قاتل، قصد ارتکاب قتل را ندارد و عملی را هم که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی این عمل نسبت به طرف، بر اثر بیماری، پیری، ناتوانی، کودکی و یا امثال آن، نوعاً کشنده باشد. بدیهی است که در این حالت، قاتل می‌بایست دارای علم و آگاهی، نسبت به این موضوع می‌بود تا بتوان، (عمد) را به آن اطلاق نمود.

وقتی که هریک از حالات سه گانه فوق، با رعایت ارکان سه گانه مادی، معنوی و قانونی اثبات جرم انجام پذیرفت و موارد عدم احراز شرایط سالبه هریک از ارکان نیز محقق گردید؛ در این صورت قتل عمد، اثبات گردیده و با شرایط شرعی و قانونی اثبات قتل عمدی، قاتل عامل مستوجب قصاص است و کسی که

محکوم به قصاص است همچنانکه که قبلاً گفته شد، با اجازه ولی امر مسلمین و با اذن ولی دم قصاص می‌شود. بدیهی است به صراحت ماده (۲۱۹) از قانون مجازات اسلامی، اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد، خود او، مرتکب قتلی شده است که موجب قصاص است.

پس از اثبات قتل از راههای شرعی اثباتی، (اقرار، شهادت، قسامه، علم قاضی) برای اولیای دم، حق قصاص به وجود می‌آید. در بحث کیفیت استیفای قصاص نیز، مواردی وجود دارد که پس از پیدایش این حق نیز در موارد مذکور، با رعایت شرایط شرعی و قانونی، این حق قصاص ساقط می‌گردد. همچنین مواردی نیز وجود دارد که به محض اینکه این حق ساقط شد، تعیین دیه برای اولیای دم - به حکم شرع و قانون - جایگزین آن خواهد شد و این، همان مواردی است که در بند ۳ج از ماده (۲۹۵) به مواردی از جنایات عمدی که در آنها قصاص جایز نمی‌باشد و باید دیه پرداخت گردد؛ تعبیر گردیده است.

#### دیه در قتل عمد:

در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول از قصاص صرف نظر نموده و به دیه راضی شود؛ دیه قتل عمد یکی از امور شش گانه، در ماده (۲۹۷) قانون مجازات اسلامی خواهد بود<sup>(۱)</sup> احکام دیه در قتل عمدی به صورت خلاصه و فهرست وار به شرح ذیل است:

۱- قتل عمد موجب قصاص است و فقط در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی دم مقتول به دیه راضی شود، دیه پرداخت می‌گردد.

۲- یکی از اقسام شش گانه موضوع، در ماده (۲۹۷) قانون مجازات اسلامی است<sup>(۲)</sup>

بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو معلوم گردد، بدون آنکه عضو ارتکاب یافته با باعث وضع عمل زن قبل از سوخت طبیعی شود مرتکب به عیس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطابقت از نتیجه معلوم محکوم خواهد شد.

ماده ۷۱۷ - هرگاه یکی از اجابت مذکور در ماده (۷۱۴) موجب ستمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج سال و پرداخت دیه در صورت مطابقت از نتیجه معلوم محکوم می‌شود.

ماده ۷۱۸ - در مورد مواد شوق هرگاه زنده یا مصدوم و ساقط موقوری در موقع وقوع جرم مستعد بوده یا بر وفق تشخیص با ارتکاب از مسرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگیر موقوری را با وجود نقص موجب مسئولیتی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محلی خاص برای عبور برانده و علامت مخصوص نگذرده باشد، اعم از آن ممانعت لازم نماید و یا از محلی عبور از آن ممنوع گردیده است یا از محلی عبور به پیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دلتانگ می‌باشد علاوه بر مجازات فوق مرتکب را طبق حدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موقوری محروم نماید.

تجارت مسافران مجازات موضوع ماده (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از حقوق بند (۱) ماده (۳) قانون وسایل برقی از درآمدهای دولت و مصرف آن در مورد همین موضوع ۱۳۷۲/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی مستثنی می‌باشد.

ماده ۷۱۹ - هرگاه معلوم احتیاج به کمک فوری دانشه و زنده با وجود امکان رساندن معلوم به مراکز درمانی و یا استنفاذ از مأمورین تشخیص از این کار خودداری کند و یا به منظور تسبیب از تصویب محفل حادثه را مرتکب و معلوم را رها کند مسبب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و

که قاتل، در انتخاب هر یک از آنها مخیر است ولی در تلفیق بین آنها، اجازه ندارد.

۳- مهلت پرداخت دیه در قتل عمدی، تا یک سال، پس از زمان وقوع قتل است و تاخیر از این مهلت، بدون تراضی طرفین جایز نیست و دادگاه نیز حق ندارد که مهلت دیگری را برای پرداخت دیه قاتل شود.

۴- در صورتی که ولی دم، متعدد باشند موافقت همه آنها در قصاص لازم است ولی اگر بعضی از ایشان، خواهان قصاص و بعضی دیگر خواهان دیه باشند؛ خواهان قصاص در صورتی می توانند قصاص کنند که سهم دیه سایر اولیای دم را (که خواهان دیه هستند)، بپردازند.

۵- هرگاه مردی به قتل عمد، زنی را به قتل برساند؛ ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد.

۶- هرگاه کسی که مرتکب قتل مستوجب قصاص شده است بمیرد؛ قصاص و دیه، هر دو ساقط است.

۷- اگر کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و به او دسترسی نباشد تا بمیرد... پس از مرگ، قصاص به دیه تبدیل می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد.

۸- اگر کسی سبب فرار قاتل شود و قاتل قبل از تحویل بمیرد و یا به هر حال تحویل قاتل متعذر باشد، فرد فراری دهنده ضامن دیه مقتول است.

۹- در قتل عمد مسؤول پرداخت دیه، خود قاتل است.

۱۰- دیه قتل عمد، در صورتی که قتل در حرم مکه معظمه واقع شود و یا در یکی از ماههای حرام سال، یعنی: رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم، صورت پذیرد؛ علاوه بر یکی از موارد شش گانه موضوع، ماده (۲۹۷) - به استناد ماده

(۲۹۹) قانون مجازات اسلامی - به عنوان تشدید مجازات؛ اضافه شدن یک سوم هر نوع

**● هرگاه مردی به قتل عمد، زنی را به قتل برساند؛ ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد**

مجازات است که جانی انتخاب کرده است.

قسمت دوم: قتل خطئی یا خطای محض به موجب ماده (۲۹۵) که موارد پرداخت دیه مشخص نشده است "قتل خطئی" یا "خطای محض" تنها، موجب برقراری دیه در حق اولیای دم است و به موجب بند "الف" این ماده، "قتل خطئی (یا) به طور خطای محض"، آن صورتی است که جانی، نه قصد قتل و نه قصد فعل واقع شده را، داشته باشد. مانند اینک شکارچی با رعایت تمام جوانب احتیاط، از نظر زمان و مکان و غیره، تیری را به قصد شکار رها کند ولی تیر او به انسانی

**● اگر کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و به او دسترسی نباشد تا بمیرد... پس از مرگ، قصاص به دیه تبدیل می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد.**

برخورد کند و او را به قتل برساند و یا اینکه شخصی که مامور اجرای حکم اعدام، است در موقع تیراندازی به طرف محکوم به اعدام، تیرش به شخص بی گناهی اصابت کند و موجب قتل او گردد. همچنین، مثلاً اگر شخصی مشغول تمرین تیراندازی در منطقه

آزاد تیراندازی، به طرف سنگ یا نشانه ای باشد ولی ناگهان تیرش به انسانی اصابت کند و موجب کشته شدن او شود؛ که در تمام این موارد و موارد مشابه، (که به قتل نه عنوان عمد و نه عنوان شبه عمد را می توان تسری داد) قانونگذار از این قتل به عنوان قتل "خطئی" یا "خطای محض"، یاد کرده است که منحصرآ باید به ولی یا اولیای دم؛ دیه پرداخت گردد.

باین توضیح که به موجب تبصره (۱) در ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی، جنایتهای عمدی و شبه عمدی مجنون و فسغیر نیز بمنزله خطای محض است.

**دیه در قتل "خطای محض":**

برای مقایسه و تطبیق آثار و احکام دیه در "قتل خطئی" (همچنانکه در "قتل عمدی"، به اختصار بدان پرداخته شد)؛ اکنون آثار و احکام آثار دیه در قتل خطئی را نیز، به شرح ذیل مورد اشاره قرار می دهیم:

۱- به تصریح آیه شریف نود و دوم، از سوره مبارکه "نساء" هرکسی خطئا، مرتکب قتلی شود؛ به کفاره این خطا و اشتباه، باید "دیه" آن را به ولی دم مقتول، پرداخت نماید. قانون مجازات اسلامی نیز، به پیروی از کتاب و سنت، به موجب بند "الف" ماده (۲۹۵)؛ بدین موضوع تاکید نموده که دیه در ارتکاب قتل خطای محض، تنها باید به ولی دم مقتول، پرداخت شود.

۲- در قتل خطای محض، اگر قتل با "بینه" یا "قسامه" و یا "علم قاضی" ثابت شود؛ پرداخت دیه به عهده عاقله است ولی اگر قاتل (با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه) ثابت گردد؛ پرداخت دیه بر عهده خود اوست. در فقه و قانون رویه قضایی؛ در باب "عاقله" و اینکه چه کسانی "عاقله" محسوب می شوند یا نمی شوند... بحثهای زیادی آمده

است که متأسفانه در این مقاله، مجال پردازش به آنها نیست زیرا نیاز به تحقیق و بررسی بیشتری دارد.

## پس از اثبات قتل از راههای شرعی اثباتی، (اقرار، شهادت، قسامه، علم قاضی) برای اولیای دم، حق قصاص به وجود می آید.

۳- مهلت پرداخت دیه در قتل خطای محض، تا سه سال پس از تاریخ وقوع قتل، می باشد که ممکن است با رضایت طرفین، به تاخیر افتد یا اینکه دادگاه، مهلت مناسبی را برای آن، در نظر گیرد.

۴- اگر جانی، دارای عاقله نباشد و یا عاقله او قادر به پرداخت دیه در ظرف مدت مقرر نباشد؛ به دستور ماده (۳۲۱)؛ دیه از محل بیت‌العمال پرداخت می شود.

۵- در مورد قتل خطی؛ دادگاه در حین رسیدگی به این امر مکلف است که در جلسه رسیدگی، عاقله را نیز دعوت کند تا وی از خود دفاع کند. (دفاع در این راستا خطائی نمی باشد). بدیهی است که اگر اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل، مدعی خطائی بودن و عاقله، منکر خطائی بودن باشد؛ در صورتی که عاقله سوگند یاد کند، قول عاقله مقدم بر قول جانی می باشد. بدیهی است عدم دسترسی به عاقله جهت حضور در دادگاه؛ و یا عدم حضور او پس از احضار مورد؛ موجب عدم رسیدگی و یا توقف رسیدگی نخواهد بود.

۶- برعکس نصاب قسامه که در قتل عمد پنجاه قسم است؛ نصاب قسامه در خطای

محض، فقط بیست و پنج قسم می باشد.

۷- در مورد تشدید مجازات قتل خطائی در ماههای حرام و یا در حرم مکه معظمه، بین فقها اختلاف نظر است. اگر چه قانون مجازات اسلامی در باب دوم از کتاب چهارم دیات، با عنوان «مقدار دیه قتل نفس»، در ماده (۲۹۹). به طور عام - و از کلمه «دیه قتل» را به کار برده است ولی با توجه به ماده (۵) از قانون سابق دیات (که مقرر داشته بود: اگر دیه قتل خواه عمدی و خواه غیر عمدی باشد. به اضافه یک ثلث است ...) باید قبول کرد که قانون سابق هم در مورد تشدید دیه در خصوص قتل خطائی، با سکوت به عدم آن نظر داشته است چرا که به طور قطع و یقین در این حالت، دیه جنبه مجازات را ندارد و فقط به عنوان جبران زیان مالی است که در صورت قتل بر اولیای دم وارد می شود.

به هر حال باید قبول کرد که ماهیت و آثار واحکام دیه در «قتل عمدی»، با دیه در «قتل خطای محض»، تفاوتی اساسی دارد که این وجوه افتراق گاهی می توانند موجبات تغییر ماهیت حقوقی دیه در قانون مجازات اسلامی، را نیز فراهم آورند. (والسلام)

پاورقی: ۱ و ۲:

دیه قتل مرد مسلمان به موجب ماده (۲۹۷) قانون مجازات اسلامی، یکی از امور شش گانه زیر است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر است؛ اما تلفیق آنها جایز نیست: ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد. ۳- یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۴- دویست دست لباس سالم از حله های یمن ۵- یکهزار دینار مسکوک سالم و مغشوش (که هر دینار، یک مثقال شرعی طلا وزن ۱۸ نخود است) ۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش نقره.

(۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی تواند در مورد این ماده نصاب کیفیت مختلفی نماید.

تبصره ۱- دادگاه در صورتی می تواند برای انجام تکالیف مستکور در این ماده وسیله نقلیه را از محضه حادکه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد.

تبصره ۲- در تمام موارد مذکور هرگاه دادگاه مصدوم را به نفعانی برای معالجه و استراحت برساند و یا امورین مربوطه را از نقلیه آنگاه کند و یا به هر نوعی موجبات معالجه و استراحت و تسکین آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تعریف را در باره او رعایت خواهد نمود.

ماده ۷۲۰- هرکس در ارتکاب و مشخصات یتلاف و حصول نقلیه سوخته زنی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا یتلاف وسیله نقلیه سوخته دیگری را به آن قصاص نماید یا بجزی آن یتلاف نقلی بکار برد یا چنین وسیله را بایتم به تغییر و یا کموش یتلاف نقلی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از اجزاء در شماره شاسی موتور یا یتلاف وسیله نقلیه موتور و یا یتلافی موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و بازرسی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۷۲۱- هرکس بتواند وسیله نقلیه موتور یا سوخته را بوزنی کند مکلف است معالجه را با همین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و بازرسی محل اصلاح جهت راهنمایی و بازرسی محل باید ظرف مدت یک هفته اجراء اوراق کردن وسیله نقلیه بآید و اگر به دلتانی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت یادآور دولت به مقامات ابلع نماید. هرگاه راهنمایی و بازرسی هیچگونه اقدامی در آن مدت نگردد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای